**جايگاه سياسي آذربايجان در تاريخ معاصر ايران[[1]](#footnote-1)**

عباس قدیمی قیداری- دانشگاه تبریز

مبداء تاريخ معاصر ايران جنگ­هاي ايران و روس در آغاز قرن 19م. / 13ق. گرفته شده است. تاريخ معاصر ايران يكي از مهم ترين ادوار تاريخ طولاني ايران است كه پديده ها، رويدادها، و حوادث مهم و سرنوشت سازي را شاهد بوده است. از آن جمله مي­توان به جنگ­هاي ايران و روس، ورود ايران به صحنه مناسبات جهاني و نظام بين الملل، جريان نوسازي، انقلاب مشروطيت، جنگ جهاني اول، جنگ جهانی دوم، نهضت ملي شدن نفت ايران و انقلاب اسلامي اشاره نمود. در تبيين اين پديده­ها و رويدادها در ذيل نام ايران، همواره يك نام جايگاه خاصي دارد و تكرار مي­شود و اهميت مي­يابد و آن نام آذربايجان است كه تاريخ معاصر ايران بي هيچ ترديدي با نام آذربايجان پيوند وثيق و عميقي خورده است.

وجوه اهميت آذربايجان در تاريخ معاصر ايران را مي­توان در يك طبقه بندي در محورهاي ذيل به بحث و بررسی گذاشت:

- وليعهد نشينی ایالت آذربایجان

- موقعيت استراتژیک( همسایگی با روسیه و عثمانی و بعد شوروی و قفقاز و ترکیه)

- خاستگاه جريان تجدد، نوخواهي ايران و نظام جديد

- دروازه ارتباط اقتصادي و بازرگاني ايران با اروپا، قفقاز، عثماني و مصر

- مركز هدايت سياست خارجي و ديپلماسي ايران به ويژه در صدر قاجار

- مكان تكوين و ظهور نخستين مؤسسات جديد تمدني در ايران

- ثروت طبيعي و جمعيت

- كشاورزي، صنعت و بازرگاني

آذربایجان در عصر قاجار پرجمعیت‌ترین و ثروتمندترین ایالت ایران به شمار می‌رفت. ایالت آذربایجان از سوی دولت قاجار به عنوان ولیعهد نشین انتخاب شد و این امر با شروع جنگ های ایران و روس که آذربایجان در خط مقدم آن قرار داشت بر اهمیت و اعتبار آذربایجان افزود و به تبع آن تبریز مرکز ایالت آذربایجان نیز به عنوان مقر رسمی ولیعهد، جایگاه ممتاز و برتری در سیاست و اقتصاد ایران عصر قاجار به دست آورد. عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه قاجار که فرماندهی جنگ های ایران و روس را برعهده داشت ، با وجود جنگ های طولانی و نابرابر با روس ها به آبادانی و عمران آذربایجان همت گمارد به طوری که آذربایجان به برگزیده ترین ایالت ایران و به قول عباس میرزا به « چشم و چراغ ایران» بدل شد.

همسایگی ایالت آذربایجان در آغاز تاریخ معاصر ایران با دو دولت قدرتمند در شمال و شمال غرب یعنی روسیه و عثمانی بر اهمیت این ایالت در داخل و سیاست داخلی می افزود و از سویی دو دولت فوق الذکر به آذربایجان همواره یک چشم داشت و طمع داشتند. شروع جنگ‌های ایران و روس از سال 1218ق./1804م. نه تنها برسرنوشت سیاسی و اجتماعی ایران وآذربایجان تأثیر نهاد بلکه ایران را نیز وارد مرحله‌ای از تاریخ جدید خود کرد. جنگ‌های اول ایران و روس حدوداً 10 سال طول کشید. جنگ‌های ایران و روس نخستین تماس ایران با دنیای جدید غرب بود که در وجه نظامی تبلور یافت. این جنگ‌ها به رغم پیامدهای ناگوار ارضی برای ایران و دولت قاجار ،نخستین حرکتها و برنامه های ترقی خواهانه را در ایران به دنبال آورد. این نبردها از این روی در سرنوشت آذربایجان تأثیر نهاد که آذربایجان خط مقدم جنگ‌های ایران و روس بود و در نتیجه آن تغییرات سیاسی در گستره و محدوده جغرافیایی آذربایجان و جدایی بخشی از سرزمین‌های ایرانی صورت گرفت و از سوی دیگر نخستین تجربه‌های نوگرایی ایران عصر قاجار نیز در آذربایجان و تبریز به ظهور رسید و آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر جای گذارد.

جنگهای طولانی ایران و روس به ویژه در دوره دوم که دامنه جنگ به این سوی ارس کشیده شد آسیب های فراوانی به آذربایجان وارد ساخت. شهر های مهم آدربایجان از جمله تبریز، خوی، اردبیل وارومیه خسارات و ضربات سختی از حملات و اشغال روسها متحمل گردیدند. اردبیل از شهرهای مرکز تجمع سپاه و انبار سلاحهای جنگی به شمار می رفت و نارین قلعه پایگاه مهمی برای قشون ایران محسوب می شد به شدت از این جنگها آسیب دید.روسها حتی کتابهای خطی بقعه شیخ صفی الدین را به عنوان غنیمت جنگی تصاحب کرده و به سن پترزبورگ فرستادند. تبریز با خیانت برخی عوامل داخلی به دست روسها افتاد.سقوط تبریز استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را مورد تهدید قرار داد. تبریز مرکز دیپلماسی خارجی ایران بود ومهمترین شهر سیاسی و اقتصادی ایران به شمار می رفت. عباس میرزا با شنیدن خبر سقوط تبریز به همراه نیروهای خود به سلماس رفت. سقوط تبریز عباس میرزا را ناگزیر به صلح با روسها کشانید و مقدمات صلح ترکمانچای فراهم گردید.

از دیگر شهر های آذربایجان که در جنگ های ایران و روس اهمیت فراوانی داشت وآسیب های زیادی نیز دید شهر خوی بود. خوی اردوگاه سلطنتی ایران در آذربایجان و یکی از سه شهر مهم نظامی و دفاعی آذربایجان به شمار می رفت. آذربایجان و به ویژه شهر تبریز از دوران استقرار عباس میرزا به عنوان ولیعهد جایگاه و موقعیت ویژه و ممتازی یافت. با تبدیل شدن به ایالت تحت امر ولیعهد و تبدیل تبریز به عنوان ولیعهد نشین جایگاه و موقعیت برجسته‌ای یافت که اکثر سفرنامه نویسان صدر قاجار به آن اذعان و اعتراف دارند.

عباس میرزا به مدت 31 سال به عنوان ولیعهد و نایب السلطنه در تبریز سکونت داشت و به یاری و مشاورت وزیر نامدار و مدبر خود میرزا عیسی قائم مقام، آذربایجان را به درجه‌ای از ترقی و پیشرفت رسانید که این ایالت از هر نظر برگزیده‌ترین ایالت ایران در دوره قاجاریه نام گرفت.

ولیعهد نشینی تبریز سبب گردید تا این شهر به محلی برای تمرین وتجربه آموزی برای حکومت و ترقی در ساختار اداری و سیاسی ایران تبدیل گردد. در تبریز نسل هایی از رجال سیاسی و اداری و نظامی تریت یافتند که در دوره های مختلف با مرگ شاه قاجار و انتقال ولیعهد به تهران جهت جلوس بر تخت سلطنت به همرا او تبریز را ترک و مقیم تهران شدند و بسیاری از پستها و مشاغل حساس اداری و سیاسی و نظامی را در دست گرفتند. بر همین اساس ژان اوبن فرانسوی که در آستانه انقلاب مشروطه در ایران به سر می برد ضمن ارائه تصویری از سازمان اداری ولیعهد در تبریز ، به این ویژگی تبریز و نیز خاستگاه تبریزی بسیاری از رجال برجسته ایران تاکید می کند.

بعد از اینکه آذربایجان رسماً ایالت ولیعهد نشین و تبریز مقر ولیعهد گردید، با توجه به جایگاه ویژه عباس میرزا در نزد شاه و شروع جنگ‌های ایران و روسیه و سپردن فرماندهی ارتش ایران عباس میرزا، فتحعلی شاه قاجار اختیارات ویژه‌ای به ولیعهد داد. از جمله این اختیارات، وکالت صلح و جنگ و انعقاد عهدنامه‌ها با دول خارجه بود و نیز فرماندهی ارتش ایران را به او سپردند. محمود میرزا امتیازات و ویژگی‌های دیگری را نیز برای عباس میرزا بر شمرده است. به این ترتیب آذربایجان که قبل از قاجارها از حیث نظامی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای در میان ایالات ایران داشت و ایالت فوج خیز ایران به شمار می‌رفت و بالاترین شمار نظامیان و سپاهیان متعلق به این ایالت بود، در دوره قاجار به مرکز اصلی دیپلماسی و سیاست ایران بدل گردید.

تبریز به عنوان مرکز آذربایجان در دوره ولیعهدی عباس میرزا به مرکز تجمع گروهی از فرهیختگان و نوگرایان ایرانی مبدل شد. در رأس این افراد می‌توان از میرزا بزرگ قائم مقام، میرزا ابوالقاسم قائم مقام و نیز احمدخان مقدم مراغه‌ای که به تعبیر ژوبر و تانکوانی فکر ایجاد رابطه با فرانسه را اول بار به عباس میرزا القا نمود و نیز عبدالرزاق بیگ دنبلی و میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی و میرزا صالح شیرازی و ... نام برد. اینان نخستین کوشندگان نوگرایی و تجدد در ایران به شمار می‌روند. اقدامات عباس میرزا که در نتیجه برخورد نظامی با روس‌های و پی بردن به ضعف و عقب ماندگی نظامی ایران چهره بست را می‌توان در چند جنبه جمع و بررسی نمود. الف) نظام جدید ب) اعزام دانشجو به خارج از ایران ج) آبادانی و عمران آذربایجان. مورد سوم که مستقیماً به آذربایجان مربوط می‌شد و موارد اول و دوم نیز در آذربایجان شکل گرفت و تاثیر مستقیمی در وضع این ایلت برجای نهاد.

نخستین تجربه‌های نو در ساختار ارتش ایران در آذربایجان اتفاق افتادو ارتش ایران در آذربایجان به برگزیده ترین ومهمترین ارتش ایران تحت فرماندهی عباس میرزا تبدیل گردید. اما نخستین اعزام دانشجو به خارج نیز از آذربایجان شروع گردید. این دانشجویان که در سال های 1226 و1230 به انگلیس اعزام شدند، نخستین ایرانیانی بودند که در استقرار دستاوردهای نوین علمی ،فرهنگی ونظامی جدید اروپا در ایران نقش ایفا نمودند. به همین اعتبار «اولین ایالتی که مرکز شیوع نظامات و تأسیسات فرنگی شد. آذربایجان بود.».این دانشجویان ایرانی بعد از بازگشت نخستین دستاوردهای جدید غربی را به ایران وارد کردند به این ترتیب این افراد نخستین نظامات و تأسیسات فرنگی را در تبریز دایر نمودند و بعدها نیز با انتقال به تهران همین دستاوردها را در تهران عملی نمودند.

آذربایجان در عصر قاجار پر جمعیت‌ترین و آبادترین و برگزیده‌ترین ایالت ایران به شمار می‌رفت. سفرنامه نویسان داخلی و مأموران و سیاحان خارجی که از ایران دیدن کرده‌اند بر این امر گواهی داده‌اند. از زمانی که عباس میرزا ولیعهد در تبریز مستقر گردید، آذربایجان به کانون اصلاحات مبدل شد. موقعیت جغرافیایی و همسایگی آن با روسیه و عثمانی بر اهمیت سیاسی و سوق الجیشی آذربایجان می‌افزود. همین امر سبب گردید که آذربایجان کانون عناصر ترقی خواه و اصلاح و روشن بین گردد و تبریز مهمتر از دربار شاه در تهران تلقی گردد. مرکز تأسیس نظام جدید، اقامت‌گاه خبرگان نظامی خارجی و منزلگاه اصلی نمایندگان سیاسی اروپایی در آن دیار بود. در دوره ناصری نیز پنج کشور روس،انگلیس،فرانسه،عثمانی و بلژیک در تبریز کنسولگری داشتند.

مرکز ایالت آذربایجان شهر تبریز بود. تبریز چنانکه در سطور پیش اشاره شد در اواخر قرن 12 ق. اوایل قرن 13 رو به خرابی نهاد. اما با آمدن عباس میرزا روی به آبادانی نهاد .عباس میرزا شهر را توسعه داد و عمارت‌ها و بناها و باغ‌های جدیدی در آن بنا نهاد ودر رونق اقتصادی آن کوشید.عناصر سازنده یک شهر سنتی اسلامی در تبریز وجود داشت از قبیل بازار، قلعه، کاروانسراها، دارالحکومه، مساجد و مدارس دینی، اما از دوره عباس میرزا برخی عناصر مدرن نیز در آن راه یافت. تبریز در دوره قاجار تبدیل به یک شهر سیاسی و تجاری بزرگ گردید. در دوره عباس میرزا و به ویژه، در دوره ناصری ساختمان‌های جدید، مساجد عالیه، مدرسه‌ها و حمام‌های پاکیزه ساختار سنتی شهر را تا حدودی تغییر داد و بناهای جدیدی چون جبه خانه، قورخانه، قراولخانه، و تلگرافخانه نیز در شهر ایجاد گردید.در دوره ناصری چند بار خیابانها و معابر عمومی و کوچه ها سنگفرش شد و چهره جدیدی به شهر داد..

ساختار جمعیتی و تنوع قومیتی تبریز نیز قابل توجه بود و در حیات اجتماعی و اقتصادی آن تاثیر می گذاشت. از سکنه شهر نزدیک به چهار صد خانوار ارامنه بودند که بعضی تبعه خارجی و بعضی از ارامنه ایرانی به شمار می‌رفتند و کسب و صنعت آنها تجاری، خرازی، زرگری و چخماق سازی و قنداق سازی و خیاطی بود.

سفرنامه نویسان ونویسندگان عصر قاجار تبریز را مهمترین شهر اقتصادی ایران ذکر کرده‌اند. رونق اقتصادی تبریز از دوره عباس میرزا شروع گردید و به سبب سیاست‌ها و برنامه‌های عباس میرزا تجارت و بازرگانی در تبریز رونق فراوانی یافت، به طوری که به مهمترین شهر اقتصادی ایران بدل گردید. پیرآمده ژوبر از اولین کسانی است که گزارشی از اوضاع اقتصادی تبریز در صدر قاجار به دست می دهد. ژوبر ضمن اشاره به رونق تجارت در تبریز از بازار مجهز و منظم شهر یاد می کند که مال التجاره های هند و ایران را در خود جای داده بود. سیاستها و برنامه های عباس میرزا در رونق تجارت وشکوفایی اقتصاد، بازار تبریز را به تدریج به یک بازار بین المللی تبدیل نمود. در دوره محمد شاه قاجار تبریز به انبار کالاهای بازرگانان هندی و آسیای مرکزی بدل گشت و کاروان‌های تجاری متعددی محصولات خود را از تبریز به خارج صادر می‌کردند. راه تجاری تبریز به تفلیس و ترابوزان اهمیت فراوانی برای تجار و کاروان‌های تجاری داشت. در همین دوره واتسون انگلیسی از تبریز به عنوان نمایشگاه عمده تجاری ایران یاد می کند که دارای 37 کاروانسرا و بیش از هزار صرافی بوده است. لیدی شیل که در سال‌های آغازین حکومت ناصرالدین شاه از تبریز دیدن کرده است، تبریز را مرکز مبادلات تجاری بین عثمانی و روسیه و شهرهای مرکزی ایران می‌داند. او می‌نویسد: اهمیت تجاری تبریز به این جهت است که سالانه حدود یک میلیون پوند استرلینگ کالا به آن وارد و سپس به شهرهای مرکزی ایران، خراسان، سواحل خزر و خیوه حمل می‌گردد. کالاهای خارجی موجود در تبریز کالاهای انگلیسی و آلمانی بودند. در کنار تجار داخلی، تجار خارجی مخصوصاً تجار یونانی و گرجی در تبریز حضور فعالی داشتند.تجارتخانه‌های یونانیان از مهمترین مراکز تجاری تبریز به شمار می‌رفت و روس‌ها از آنان حمایت می‌کردند. بروگش فرستاده آلمان در سالهای نخست سلطنت ناصری با وجود اینکه به خرابی و ویرانی ناشی از زلزله های متعدد وجنگهای ایران با عثمانی وروسیه در بخشی از شهر،اشاره دارد، بر اهمیت بازرگانی تبریز تاکید می کند و این شهر را در حقیقت محل تلاقی خطوط ارتباطی تجارتی مغرب زمین با مرکز آسیا به شمار می آورد. به نوشته بروگش بخش بزرگ تجارت تبریز در دست تجار ارمنی وایرانی و اروپایی بود و تجار ارمنی ویونانی ویک تجارتخانه سویسی واردات ایران را در دست داشتند. به گزارش بروگش کالاهای انگلیسی از راه تبریز، تهران و مشهد به بخارا و شهرهای آسیای مرکزی صادر می شد و کالاهای فرانسوی و آلمانی هم از راه تبریز به تهران و تمام قسمتهای ایران ارسال می گشت. دولتهای انگلیس و روس هرکدام در تبریز یک سرکنسول گری داشتند که از منافع اتباع خود حمایت می کردند. یک شرکت سویسی و هفت تجارتخانه یونانی در تبریز وجود داشت که در ارتباط با شرکتهای انگلیسی در تبریز فعالیت می کردند. دولت قاجار نیز برای کنترل و نظارت امور تجاری و وصول کلیه درآمدهای صادراتی و وارداتی درتبریز اداره ای تاسیس کرده بود. اعتمادالسلطنه به نقل از سیاح تاجری به نام «آینژ هلت» که در سال 1283 ق. برای تجارت به ایران آمده بود، تبریز را بهترین شهر تجاری ایران و مرکز مبادلات تجاری ایران با عثمانی، اعراب، گرجی‌ها، هندی‌ها و روس‌ها معرفی کرده است. دو راه تجاری بندر ترابوزان و راه روسیه و قفقاز مهمترین راه‌های تجاری صادرت و واردات ایران با دنیای خارج به شمار می رفت. تبریز موقعیت مهم اقتصادی خود را در سال‌های پایانی قرن 19 حفظ کرد و مهمترین مرکز تجاری ایران بود. در آستانه انقلاب مشروطیت تبریز موقعیت ممتاز اقتصادی خود را حفظ نمود. جکسن آمریکایی که در این زمان از تبریز دیدن می کرد ، بازار تبریز را به عنوان بهترین مرکز تجاری ایران و یکی از مهمترین مراکز بازرگانی شرق به شمار آورده است. در میان ولایات آذربایجان صرف نظر از تبریز، اردبیل و ارومیه نیز از موقعیت خوب تجاری برخوردار بودند

در کنار اهمیت بازرگانی وتجاری ،آذربایجان از حیث کشاورزی و نیز معادن نیز از مهمترین ایالت‌های ایران به شمار می‌رفت. اردبیل ، خوی، مراغه و ارومیه از حیث کشاورزی اهمیت فراوانی داشتند. خلخال انبار غله آذربایجان به شمار می‌رفت. محصولات زراعی به ویژه حبوبات و غله آذربایجان به حدی بود که بخش عمده آن صادر می‌شد. ارومیه که در سال‌های پایانی قرن 19، از زراعت و آبیاری عالی برخوردار بود و بهترین توتون ایران در آن به عمل می‌آمد. وجود معادن سرشار و غنی و ارزشمند نیز بر اهمیت اقتصادی آذربایجان می‌افزود. معادن سنگ مرمر مراغه، معادن مس و آهن قره‌باغ، معادن سرب خلخال از معادن مهمی بود که در دوره قاجار بر اهمیت آذربایجان می‌افزود.کرزن می‌نویسد که دکتر ریاچ Riach انگلیسی این معادن را حیرت‌آور و غنی‌ترین معادن سراسر جهان دانسته است..

در دوره ناصری با سرعت گرفتن استقرار مؤسسات جدید تمدنی در ایران، تبریز از اولین شهرهایی بود که شاهد استقرار دستاوردها و پدیده‌های و نهادهای جدید اروپایی بود. از این مؤسسات می‌توان به چاپخانه ، روزنامه‌ها، تلگراف، مدارس و ... اشاره نمود. آذربایجان جلودار نهضت اصلاح آموزشی در عصر قاجار بود. وجود ارامنه و فضایی که آنان برای فعالیتهای آموزشی یافته بودند در کنار نزدیکی آذربایجان به روسیه و قفقاز در این نقش آذربایجان بی تاثیر نبودند. بر این عوامل می بایست تاثیر نهضت نوگرایی که از دوره عباس میرزا در تبریز شروع گردید ونیز رفت و آمد وارتباط آذربایجانیان با دنیای خارج وآشنایی آنان با اندیشه های جدید ونهادهای نوین آموزشی را نیز افزود.

از دیگر مظاهر تمدن جدید که باز آذربایجان در استقرار وشکل گیری آن پیشگام بود می توان به انتشار روزنامه اشاره نمود.اولین روزنامه در آذربایجان در حدود سال 1275 در تبریز با عنوان روزنامه« آذربایجان» به چاپ رسید. تبریز بعد از تهران نخستین شهری بود که صاحب روزنامه مردمی ، ملی و غیر دولتی گردید. از این روزنامه ها که به وسیله کوشندگان راه بیداری و ترقی فکری مردم منتشر می شد می توان به روزنامه های الحدید ، احتیاج ، اقبال ،کمال ، معرفت وعدالت اشاره نمود. این روزنامه ها در فاصله سالهای 1315 تا 1323 در تبریز منتشر شدند. در کنار این روزنامه ها نخستین مجله تخصصی در حوزه ی مباحث علمی جدید نیز در سال 1320 در تبریز منتشر گردید.این مجله را که تقی زاده،تربیت، حسن خان عدالت و یوسف خان اعتصام الملک پایه گذاری کردند.خط مشی مجله نیز ترویج و تبلیغ صنایع و دستاوردهای علمی و صنعتی نوین و علوم جدید اروپا و معرفی و ترجمه رمانهای علمی و تخیلی معروف دنیا بود.

از دیگر مظاهر تمدن جدید می توان به چاپخانه و خط تلگراف اشاره نمود. نخستین چاپخانه در ایران عصر قاجار را میرزا زین العابدین تبریزی در سال1233 در تبریز راه انداخت. دوسال بعد میرزا صالح شیرازی چاپخانه دیگری در تبریز به دستور عباس میرزا راه اندازی نمود بعداز آمدن تلگراف به ایران و بعد از گشایش خط تلگراف بین تهران وسلطانیه ، تبریز اولین شهری بود که سیم تلگراف به آن کشیده شد و از طریق زنجان و سلطانیه به تهران مربوط گردید. در سال 1280 نیز سیم تلگراف از تبریز به جلفا و ارس امتداد پیدا نمود.

موقعیت مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تبریز وجایگاه برجسته آن در سیاست خارجی ایران و نیز استقرار مظاهر و دستاوردهای تمدنی و فرهنگی و علمی جدید غرب در آن از دوره عباس میرزا تبریز را به نقطه عزیمت تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران عصر قاجار تبدیل نمود. موقعیت و اعتبار تبریز ومظاهر تمدنی جدید همه در خدمت دگرگونی درآمدند و هویت و جایگاه ممتاز وجدیدی به آذربایجان وتبریز دادند که بازتاب اصلی آن در پی ریزی زمینه ها وبسترهای انقلاب مشروطیت ایران چهره نمود.

آذربایجان و به‌ویژه تبریز نقش بی‌بدیلی در انقلاب مشروطیت ایران ایفا نمود. آذربایجان و تبریز به تعبیر اوژن اوبن به مثابه مغز متفکر نهضت مشروطه، به مهم‌ترین کانون انقلاب مشروطه بدل گردید، دژ استوار پاسداری از آزادی و مشروطه‌خواهی شد و انجمن تبریز، نقش مجلس ملی را در دورۀ استبداد صغیر برای همۀ ایرانیان ایفا نمود. مجاهدان و آزادی‌خواهان تبریز در زمانه‌ای که مشروطیت از تمام ایران برچیده شده بود، با مقاومتی که آوازۀ جهانی یافت، آزادی و مشروطیت را به حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان بازگرداندند و به رهبری انجمن تبریز در وحدت و یکپارچگی ایرانیان در برابر استبداد نقش بی‌بدیل و ممتازی ایفا کردند.

آذربایجان در آغاز دوره مشروطیت تا تاسیس دولت پهلوی شاهد فجایع و صحنه های دردناک و غمباری گردید.ارومیه ، تبریز، اردبیل ، مراغه، سلماس و سایر ولایات آذربایجان آسیب های فراوان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به خود دیدند.جنگهای داخلی تبریز و محاصره تبریز در دوره مقاومت، بحران و نبردهای خونین در ارومیه و سلماس، شورش ایلات و عشایر، سیاست های خصمانه و دخالت های بی اندازه دول خارجی به ویژه روس ها، شورش ها و سرکشی های متعدد و ناکارآمدی دولت مرکزی در یک دوره بحرانی، آثار و نتایج وخیم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در آذربایجان به بار آورد. اشغال آذربایجان به دست روسها و چیرگی تمام و کمال نظامیان روس بر تمام امور شهر ضربۀ سختی به فرهنگ و مدنیت آذربایجان و تبریز وارد ساخت.

در دوران پهلوی موقعیت آذربایجان نسبت به گذشته قدری متفاوت شد. وضعیت سیاسی آذربایجان در طول سلطنت رضاشاه چندان تفاوتی با وضع کلی کشور نداشت. شاه بر کل ارکان حکومت اشراف کامل داشت. مجلس پیرو محض و مطیع اوامر ملوکانه بود. شاه در تمامي تصميمات از ساده‌ترین تا مهم‌ترین آنها دخالت و شخصاً وزرا، استانداران، مقامات عالی‌رتبه و فرماندهان ارتش و سفرا را عزل و نصب می‌کرد. اقدامات رضاشاه در جهت ایجاد دولتی متمرکز به بهای تحديد و سرکوب هرگونه تغییر و تحول سیاسی و تمامی مظاهر آرمان‌های دموکراتیک انجام گرفت. دورة «اقتدارگرایی قیمانة» رضاشاه چنان عرصه را بر فعالان سیاسی و اجتماعی تنگ کرد که هیچ انجمن، گروه و حزبی مجال فعالیت نیافت. سیدحسن تقی‌زاده، ساختار خودکامة رضاشاه را در یک جمله چنین خلاصه کرده است: «در آن دوران، فقط یک نفر بود که فرمان می‌داد [رضاشاه] و دیگران مهره‌هايي در دست او بودند»و «...برای کسی دراین مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی دربرابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید...».

سیاست تمرکزگرایی پهلوی اول در زمینة وضع اقتصادی ایالات هم تأثیرگذار بود. تجمیع امکانات اقتصادی در مرکز کشور موجب محرومیت سایر ایالات از درآمدهای دولتی شد. زمانی ایالت حاصل‌خیز و ثروتمند آذربایجان در دورة قاجار به «انبار غلة ایران» معروف و اهمیت تجاری آذربایجان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی دو چندان بود، اما این سیاست رضاشاه برای آذربایجان مشکلاتی به بار آورد. به قول «پیترآوری» آذربایجان در شمار استان‌هایی بود که در دورة رضاشاه، رنج بسیاری را تحمل کرد.

با سقوط رضا شاه فضای باز سیاسی در کشور ایجاد شد و آذربایجان هم از این فضای باز برخوردار گردید. اما جنگ دوم جهانی در میان ایالتها و استانهای ایران تاثیر فراوانی بر آذربایجان گذاشت.در دوره حکومت کمونیستی شوروی و جنگ دوم جهانی نقشه های سلطه جویانه ی دولت استالین برای تصاحب معادن نفت آذربایجان به همراه برخی سیاستهای نادرست و ناسنجیده دولت مرکزی، بحران آذربایجان و مسئله فرقه دموکرات را ایجاد کرد و آذربایجان در کانون توجه سیاسی در جهان قرار گرفت. با سقوط رضاشاه فصل جدیدی در تاریخ معاصر ایران رقم خورد. فضای باز سیاسی ایجاد گردید.حذف سانسور مطبوعات، فعالیت آزادانه احزاب و انجمن های سیاسی و مذهبی از مظاهر این گشایش سیاسی بود. تمرکز قدرت در شخص شاه از بین رفت و به گفته آبراهامیان قدرت سیاسی بین دربار، مجلس، کابینه، سفارتخانه‌های خارجی و مردم تقسیم شد. به تبع اوضاع جدید کشور، آذربایجان هم به عنوان یکی از ایالت های مهم شرایط جدیدی را تجربه نمود و نیروها و جمعیت ها وارد عرصه فعالیت های سیاسی شدند.در نهضت ملی شدن صنعت نفت آذربایجان و مخصوصا بازاریان نقش مهمی درحمایت از نهضت ملی ایفا کردند. نقش مهم دیگر آذربایجان در پیروزی انقلاب اسلامی رقم خورد.

پی نوشتها

1. این متن، متن اولیه ای است که برای سخنرانی در خانه توسعه آذربایجان تهیه شده بود و نیازمند بازبینی و افزودن مطالب مهمی است که در فرصت دیگر انجام خواهد شد. [↑](#footnote-ref-1)